



دوماهنامه علمی- پژوهشی

د ۱۰، ش ۲ (پیاپی ۵۰)، خرداد و تیر ۱۳۹۸، صص ۲۲۵-۲۵۰

بررسی اسپونریزم در گفتار کودکان ۴-۶ ساله فارسی زبان:

رویکردی روان‌زبان‌شناختی

علی کریمی فیروزجایی^{۱*}، هانیه یارمند^۲

۱. استادیار گروه زبان‌شناسی همگانی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲. دکتری زبان‌شناسی همگانی، تهران، ایران.

پذیرش: ۹۶/۱۲/۵

دریافت: ۹۶/۹/۷

چکیده

اسپونریزم نوع خاصی از لغزش‌های سهوی زبان است. هدف از پژوهش حاضر تجزیه و تحلیل ساختار اسپونریزم‌های تولیدشده توسط کودکان جهت تعیین نقش نظم حاکم بر این لغزش زبانی در پیش‌بینی عملکرد نظام ذهنی کودکان در فرایند تولید آن‌هاست. پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی است. نمونه‌های تحقیق شامل ۳۳ مورد اسپونریزم است که از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی در دسترس از گفتار عادی کودکان ۴ تا ۶ ساله فارسی‌زبان ۴ مهدکودک شهر تهران گردآوری شده است. گفتنی است وضعیت زبانی تمام کودکان که اسپونریزم‌ها را تولید کرده بودند به کمک آزمون رشد زبان نیوشا ارزیابی شد و فقط اسپونریزم‌هایی مورد بررسی قرار گرفتند که کودک روند رشد کلامی طبیعی داشت، در نتیجه از ۴۰ مورد اسپونریزم جمع‌آوری شده ۳۳ مورد در پژوهش بررسی شد. به‌منظور بررسی داده‌ها از آزمون دو جمله‌ای استفاده شد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهند که آغازه‌ها در کلام کودکان فارسی‌زبان آسیب‌پذیرتر است. همچنین، درصد خطا در برنامه‌ریزی صدا در مغز کودکان فارسی‌زبان بیشتر از درصد خطا در برنامه‌ریزی لغات است.

واژه‌های کلیدی: لغزش‌زبانی، اسپونریزم آوایی، اسپونریزم تکواژی، روان‌زبان‌شناختی.

۱. مقدمه

ویلیام اسپونر^۱ (۱۸۴۴-۱۹۳۰م)، دانش‌آموخته و رئیس دانشگاه آکسفورد، فردی بود که اغلب در کلامش حروف اول کلمات را جابه‌جا تلفظ می‌کرد و جالب اینکه در برخی موارد با جابه‌جا کردن این حروف، عبارات معنی‌داری ساخته می‌شد که معانی متفاوت و گاه در تناقض با معنی عبارت اصلی مشاهده می‌شد. عنوان اسپونریزم از نام او گرفته شده است. یکی از اسپونرهای او عبارت است از:

The lord is a shoving leopard to his flock
 The lord is a loving shepherd to his flock

اگرچه اسپونریزم نوعی لغزش زبانی است که به‌صورت تصادفی در گفتار اتفاق می‌افتد؛ اما مطالعات نشان می‌دهند اسپونریزم‌هایی که در گفتار اسپونر مشاهده شده است با دقت طراحی شده و باید آن‌ها را بیشتر به شوخ‌طبعی او نسبت داد تا لغزش‌های زبانی غیرعمدی (Robbins, 1996: 456-467).

اسپونریزم نوعی لغزش زبانی است و در مواردی نوعی بازی با کلمات نیز هست که در آن همخوان‌ها، واژه‌ها و یا تکواژها در جمله، عبارت و یا کلمه با یکدیگر جابه‌جا می‌شوند. لغزش‌های زبانی خطاهای غیرمکرر هستند که در همهٔ انسان‌ها به‌طور طبیعی و عادی رخ می‌دهد؛ اگرچه در برخی افراد و موقعیت‌ها بسامد بیشتری دارند (فلاحی، ۱۳۸۶: ۱۲۷). زبان پیچیده‌ترین فرایندی است که انسان در طول حیات خود آن را می‌آموزد. در واقع، زبان یکی از وجوه تمایز انسان و حیوان و یکی از راه‌های ارتباط برقرارکردن با خود و دیگران است. هر گاه این ارتباط، به هر دلیلی دچار نقص شود، بر برخی از جوانب شخصیتی فرد تأثیر می‌گذارد و وی را با مشکل روبه‌رو می‌کند. زبان بخش قابل‌توجهی از نقش خود را به‌عنوان مهم‌ترین و پیچیده‌ترین نظام ارتباطی از راه گفتار ایفا می‌کند (افخمی و اسدی‌مطلق، ۱۳۸۲: ۳۱). بنابراین، بررسی پدیده‌های مرتبط با گفتار که به شناخت بیشتر این جنبه از کارکرد زبان می‌انجامد موجب افزایش دانش مربوط به کلیت زبان خواهد شد. لغزش زبانی در این میان بسیار قابل‌توجه است؛ زیرا پدیده‌ای است که در آن نظام انتزاعی موجود در ذهن گوینده گاه به گونه‌ای که در ذهن جای گرفته است، عینیت نمی‌یابد و هنگامی که در قالب نظام آوایی زبان به لفظ کشیده می‌شود، تولید گفتار متفاوت با ذهنیت گوینده است. تعارضی که هنگام وقوع لغزش

زبانی بین ذهنیت موجود در ذهن و عینیت متبلور در گفتار پدید می‌آید، در سازوکار ذهن و مغز انسان ریشه دارد که تبیین آن مستلزم ورود به حوزه‌های روان‌شناسی زبان و عصب‌شناسی زبان است (Dell & Sullivan, 2003:100). پژوهش‌گرهایی که به بررسی لغزش‌های زبانی پرداخته‌اند هر یک اصطلاح‌هایی را به کار بسته‌اند که صرف‌نظر از تفاوت‌های صورتی، همگی به پدیده‌های واحد اشاره دارند. خطای گفتار^۱، لغزش زبانی^۲، خطای تشابهی^۳ و ابدال^۴ از آن جمله‌اند (افخمی و اسدی مطلق، ۱۳۸۲: ۳۲).

کریستال^۱ لغزش زبانی را «انحراف ناخواسته گوینده از تولید توالی مورد نظر واحدهای زبانی» می‌داند که بر «صدا، هجا، تکواژ و گاه واحدهای بزرگ‌تر دستوری» تأثیر می‌گذارد. او اشتباه لفظ را، لغزش زبان از نوع «ابدال» می‌نامد (Crystal, 1987: 262-263). کریستال تعریفی از خطای گفتار به دست نمی‌دهد و حتی اشاره مستقیم به آن ندارد؛ اما در مبحث هجا، لغزش زبان را در زمره پدیده‌های مربوط به خطای گفتار می‌شناسد که نشان می‌دهد این دو از دیدگاه او متفاوت و در عین حال مربوط با یکدیگرند. کاپلان^۲ هم به این مسئله اشاره می‌کند که خطاهای گفتار تنها بر بخشی از ساختار آوایی یک واژه تأثیر می‌گذارند و این بدان معناست که برخی عناصر آوایی خاص در یک واژه از دیگر عناصر آوایی باقیمانده جدا می‌شوند و تحت تأثیر خطاهای تولیدی قرار می‌گیرند (Caplan, 1992: 111). یول^۳ معتقد است که لغزش زبانی گاه عبارات درهم‌ریخته را پدید می‌آورد و گاه واژه‌ها را جابه‌جا می‌کند. این حالت اشتباه لفظ نیز نامیده می‌شود. او به انواع دیگری از لغزش زبان نیز اشاره می‌کند که در آن‌ها واج‌ها از یک واژه به واژه بعد منتقل می‌شود، یا واجی که در واژه بعد وجود دارد در واژه قبل نیز به کار می‌رود (اسپونریزم) و در نهایت یادآور می‌شود که لغزش‌های زبانی تصادفی نیستند و هیچ‌گاه رنجیرهای غیرقابل قبول واجی تولید نمی‌کنند (Yule, 1996: 172).

هدف از انجام این پژوهش بررسی نوع خاصی از لغزش زبانی با عنوان اسپونریزم در گفتار عادی کودکان ۴-۶ ساله فارسی‌زبان است تا به تعمیم‌ها و قواعدی برسیم که نشان دهند این لغزش‌ها گرچه غیرتکراری هستند؛ اما از نظم خاصی پیروی می‌کنند. پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارت‌اند از: آیا ساختار زبان فارسی نقشی در اسپونریزم ایفا می‌کند؟ تفاوتی میان وقوع انواع اسپونریزم در کلام کودکان فارسی‌زبان وجود دارد؟ فرض بر این است که آغازه هجا در کلام کودکان فارسی‌زبان آسیب‌پذیرتر است همچنین، درصد خطای اسپونریزم آوایی و

تکواژی در کودکان فارسی‌زبان یکسان نیست.

۲. پیشینه پژوهش

اصطلاح لغزش زبانی را نخستین بار فرامکین^۹ در سال ۱۹۷۱ در مقاله‌ای به‌کار برد. او لغزش‌های زبانی را عامل مؤثری در مطالعات زبانی معرفی کرد و معتقد بود از طریق مطالعه این خطاها می‌توان واحدهای زیرساخت^{۱۰} نظام آوایی زبان را بررسی کرد (Fromkin, 1973: 217). در توضیح چگونگی رخداد لغزش‌های زبانی رویکردهای متفاوتی وجود دارد: دسته‌ای از پژوهش‌ها از دریچه روان‌شناسی زبان به این پدیده نگرسته و به بررسی جنبه‌های معنی از آن پرداخته‌اند (افخمی و اسدی مطلق، ۱۳۸۲: ۳۲). نتایج حاصل از این تحقیقات نشان می‌دهند که بسیاری از لغزش‌های زبانی دلایل روان‌شناختی دارند.

از جمله نظریه‌های مطرح در حوزه روان‌شناسی توضیح فروید^{۱۱}، روان‌کاو مشهور اتریشی، است که لغزش‌ها را ناشی از تداخل افکار سرکوب‌شده جنسی از ناخودآگاه انسان در سخن آگاهانه او می‌داند؛ یعنی به طور هم‌زمان دو طرح‌ریزی گفتار در ذهن در حال انجام‌گرفتن است. او لغزش‌های زبانی را به‌طور خاص در قالب آسیب‌شناسی روانی مورد بررسی و تحلیل قرار داده است؛ اما سال‌ها پس از ایده‌های فروید به‌خصوص درباره حضور همیشگی انگیزه‌های جنسی در لغزش‌های زبانی، درباره نظریه او تردید شد. از منظر روان‌شناسی زبان لغزش‌های زبانی از چگونگی طرح‌ریزی و تولید گفتار خبر می‌دهند (فلاحی، ۱۳۸۶: ۱۲۹). اچسون^{۱۲} (۱۳۶۴) به طور مفصل، انواع لغزش‌ها را بررسی کرده است و در نهایت چگونگی طرح‌ریزی گفتار را براساس آن‌ها توضیح می‌دهد (اچسون، ۱۳۶۴: ۴۲۸). وی به دو دسته لغزش زبانی قائل است: الف- خطای انتخابی که در آن گوینده واژه نادرست را انتخاب می‌کند؛ و ب- خطای تلفیقی که در آن واژه درست انتخاب می‌شود، اما گفتار به‌درستی سازمان نمی‌یابد (اچسون، ۱۹۹۳: ۱۲۹). والشکوسکی^{۱۳} (۲۰۰۳) نیز در پژوهش خود به بررسی نقش فاصله مشخصه‌های واجی^{۱۴} بر رخداد لغزش‌های واجی بافتی^{۱۵} پرداخته است، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که این فاصله عامل اساسی در تعیین انواع لغزش‌هاست.

عصب‌شناسی زبان از دیگر حوزه‌هایی است که در رابطه با لغزش‌های زبان مطالب

ارزنده‌ای ارائه کرده است (Dell & Sullivan, 2003: 63). نتایج مطالعات آن‌ها نشان می‌دهد که گفتار، طی چهار مرحله مفهوم‌سازی^{۱۶}، شکل‌دهی به طرح زبانی^{۱۷}، تولید طرح و بازبینی گفتار^{۱۸} تولید می‌شود؛ یعنی طی یک مرحله تناوب، اندیشه به سخن تبدیل می‌شود (Carroll, 1998: 192). مرینگر^{۱۹}، زبان‌شناس استرالیایی، لغزش‌های زبانی را از منظر عصب‌شناختی بررسی کرد. او خلاف فروید برداشتی غیرجنسی از خطای لفظی ارائه داده بود. از نظر او، این اشتباه‌ها، جابه‌جایی‌های تصادفی در واحدهای ساخت جملات هستند. برای مرینگر که دو مجموعه از اشتباه‌های لفظی رایج را منتشر کرده بود، یک اشتباه لفظی فقط یک اشتباه عادی است (Freud et al., 2077: 292). دل (1995: 190) از منظر عصب‌شناسی زبان اسپونریزم را تعریف می‌کند. او معتقد است که نظریه فعال‌سازی - گسترش‌یافته^{۲۱} که در تولید گفتار مطرح است، کمک می‌کند که چگونگی حادث شدن این لغزش زبانی در مغز را توضیح دهیم. او معتقد است که هنگامی که گره عصبی مرتبط با یک عبارت به شکل زود هنگام در مغز فعال می‌شود و گره عصبی دیگری تأخیر داشته باشد اشتباه لفظی اسپونریزم روی داده است. دل این ادعا را مطرح می‌کند که اشتباه‌های لفظی در واقع توانایی بالای فرد را در استفاده از زبان و اجزای آن نشان می‌دهد. از نظر دل هنگام تولید گفتار، چهار سطح متفاوت زبانی مغز که عبارت از سطح معنایی^{۲۲}، نحوی^{۲۳}، ساخت واژه^{۲۴} و واج‌شناختی^{۲۵} به صورت موازی و هم‌زمان با یکدیگر در ارتباط هستند و گفتار از ارتباط و فعالیت میان آن‌ها ساخته می‌شود؛ اما در اغلب شرایط این شبکه‌ها که در پروسه‌ای به نام فعال‌سازی - گسترش‌یافته عمل می‌کنند به نوعی با یکدیگر برخورد می‌کنند و سکندری می‌خورند (آیزنک و کین، ۱۳۹۴: ۱۱۲). نتیجه این تصادف‌ها اشتباهی لفظی است و آن طور که او معتقد است این اتفاق چیز خوبی است. چون یک سیستم تولید زبانی که امکان اشتباه در آن وجود دارد، امکان خلاقیت و تولید زبانی را به وجود می‌آورد. این شاهدهی حقیقی از انعطاف‌پذیری زبانی است، چیزی که در واقع چالاکي ذهن انسان را نشان می‌دهد (Dell, 1995: 207).

در ایران نیز مطالعاتی درباره این مباحث صورت گرفته است. افخمی و اسدی مطلق (۱۳۸۲) به بررسی خطاهای گفتار در زبان فارسی پرداخته‌اند و در پی ارائه طبقه‌بندی منسجم از خطاهای گفتار متناسب با مقتضیات زبان فارسی و بررسی رابطه متغیرهای جنسیت و میزان تحصیلات با اجزای طبقه‌بندی، خطاهای گفتاری در محور زبانی شامل مقوله‌های واجی،

ساخت‌واژی و نحوی و محور فرازبانی شامل رابطه‌های جایگزینی، جابه‌جایی، افزایش، حذف و تلفیق را مورد بررسی قرار دادند. نتایج آزمون‌های آن‌ها بیانگر آن بود که بین دو متغیر پژوهش و اجزای طبقه‌بندی رابطه‌ای وجود ندارد و از طرف دیگر متغیر با فراوانی خطاها در اجزای طبقه‌بندی زبانی و فرازبانی رابطه دارد؛ به طوری که در جنس مذکر رابطه‌های حذف، افزایش و تلفیق به ترتیب بیشترین فراوانی را دارند. این ترتیب در جنسیت مؤنث به صورت تلفیق، حذف و افزایش است (افخمی و اسدی مطلق؛ ۱۳۸۲). در پژوهشی دیگر فلاحی (۱۳۸۶) به طبقه‌بندی انواع لغزش‌های زبانی در گفتار فارسی‌زبانان بزرگسال پرداخته و آن‌ها را در دو گروه اصلی الف- لغزش‌های آوایی و ب- لغزش‌های نحوی و معنایی قرار داده و چنین نتیجه‌گیری کرده است که بیشترین نوع لغزش‌ها، جانشینی واژگانی به دلیل شباهت معنایی و کمترین نوع لغزش‌ها افزایش آواست (فلاحی ۱۳۸۶). استاجی و نوربخش (۱۳۸۷) نیز بر اساس شواهدی از خطاهای گفتار در زبان فارسی به اهمیت هجا و ساختار درونی آن به عنوان یک واحد زبانی در جریان فرایند تولید گفتار پرداخته‌اند. به باور آن‌ها مطالعه لغزش‌های زبانی، یعنی اشتباهاتی که گوینده به طور ناخواسته در گفتار مرتکب می‌شود و با هدف او مغایرت دارد، برای دستیابی به چگونگی فرایند تولید گفتار بیش از شواهد دیگر مفید بوده است. تفرجی‌یگانه (۱۳۹۵) به بررسی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر خطاهای گفتاری در جامعه پرستاری پرداخته است، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین نوع شخصیت، استرس، خستگی و لغزش‌های زبانی ارتباط معناداری وجود دارد.

با توجه به اینکه اصلی‌ترین وظیفه زبان ایجاد ارتباط است و لغزش‌های زبانی اختلالی جدی در ایجاد ارتباط به وجود نمی‌آورند، مطالعه لغزش‌ها چندان مورد توجه نبوده است و در نتیجه دیرینه چندان‌ی ندارد و نیاز به مطالعات وسیع‌تری در این زمینه احساس می‌شود.

۳. شیوه پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی است. نمونه‌های تحقیق از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی در دسترس گردآوری شده است. گفتار عادی ۲۴۰ کودک ۴ تا ۶ ساله فارسی‌زبان در ۴ مهدکودک شهر تهران مدت شش ماه حین بازی و انجام فعالیت‌های روزانه ضبط شد. در نهایت ۴۰ مورد اسپونریزم از گفتار آن‌ها استخراج شد. گفتنی است که وضعیت زبانی تمام کودکان که

اسپونریزم‌ها را تولید کرده بودند به کمک آزمون رشد زبان نیوشا ارزیابی شد و فقط اسپونریزم‌هایی مورد بررسی قرار گرفتند که کودک روند رشد کلامی طبیعی داشت، در نتیجه از ۴۰ مورد اسپونریزم جمع‌آوری شده ۳۳ مورد در پژوهش بررسی شد. به‌منظور بررسی داده‌ها از آزمون دو جمله‌ای استفاده شد. اگرچه در تعریف و طبقه‌بندی انواع لغزش‌های زبانی یک‌دستی و اتفاق‌نظر وجود ندارد؛ اما در پژوهش حاضر مطابق با تقسیم‌بندی گارمن^{۲۶} آن‌ها را به دو دسته لغزش‌های آوایی، که در سطح واج رخ می‌دهند و لغزش‌های نحوی - معنایی، که در سطح فراتر از واج رخ می‌دهند، تقسیم‌بندی کردیم (Graman, 1990 : 151). همان‌طور که بیان شد اسپونریزم لغزش زبانی است که به‌سبب آن همخوان‌ها، واکه‌ها و یا تکواژها در غالب یک جمله، عبارت و یا کلمه با یکدیگر جابه‌جا می‌شوند. در اسپونریزم‌های آوایی^{۲۷} عامل جابه‌جاشده واج است؛ اما در اسپونریزم‌های نحوی - معنایی تکواژها با هم جابه‌جا می‌شوند حال آنکه این تکواژ می‌تواند تکواژ واژگانی و یا تکواژ دستوری باشد. در این پژوهش عنوان‌های جابه‌جاشدگی آوایی^{۲۸} و یا خطاهای تعویض - صدا^{۲۹} به اسپونریزم‌های آوایی و همچنین عنوان‌های اسپونریزم - های تکواژی^{۳۰} و یا خطاهای تعویض - واژه^{۳۱} به اسپونریزم‌های نحوی - معنایی اشاره می‌کنند. در این پژوهش ابتدا اسپونریزم‌های آوایی بررسی شدند، برای مثال جابه‌جایی همخوان‌های اولیه در دو کلمه:

چیپس و پفک ← پیپس و چفک (چ و پ همخوان‌های آغازین در دو کلمه هستند).

و یا جابه‌جایی آواها در درون یک کلمه مانند:

تندیس ← دتنیس (د و ت دو همخوان در درون یک کلمه هستند).

جهت بررسی دقیق‌تر اسپونریزم‌های آوایی آن‌ها به دو زیر مجموعه تقسیم شدند:

الف) اسپونریزم‌های آوایی که در آن‌ها واج‌های جابه‌جاشده، همخوان هستند، برای مثال:

جزیره گنج ← گزیره جنج (گ و ج هر دو همخوان هستند)

ب) اسپونریزم‌های آوایی که در آن واج‌های جابه‌جاشده، واکه هستند.

گفتنی است که در اسپونریزم‌های آوایی که نگارندگان گردآوری کرده‌اند موردی که در آن واکه‌ها با یکدیگر جابه‌جا شوند موجود نیست.

در مرحله دوم اسپونریزم‌های نحوی - معنایی بررسی شدند:

همان‌طور که اشاره شد اسپونریزم تنها محدود به جابه‌جایی آواها نمی‌شود؛ بلکه ممکن

است کل کلمه یا بخشی از آن جابه‌جا شود، برای مثال:
 او به من ابراز احساسات کرد. ← او به من احساس ابرازات کرد.
 در پایان نیز به‌منظور دقیق‌تر بودن تحلیل‌ها، مقوله نحوی تکواژهای جابه‌جاشده بررسی شد، برای مثال:

کتابت را تحویلش دادم ← کتابش را تحویل دادم (ت و ش هر دو تکواژ دستوری هستند)
 دستم خورد توی چشمش ← چشمم خورد توی دستش (دست و چشم هر دو تکواژ واژگانی هستند)

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش داده‌های برگرفته از گفتار عادی کودکان ۴-۶ ساله فارسی‌زبان بررسی می‌شود. فرضیه اول پژوهش عبارت بود از اینکه درصد خطای اسپونریزم آوایی و تکواژی در گفتار کودکان فارسی‌زبان یکسان نیست. برای بررسی این فرضیه با توجه به اینکه طیف مورد استفاده اسمی دو بُعدی است، از آزمون دو جمله‌ای استفاده شد. جدول شماره ۱ نتایج حاصل از مقایسه درصد وقوع اسپونریزم آوایی با اسپونریزم تکواژی در گفتار کودکان فارسی‌زبان را به کمک آزمون دو جمله‌ای نشان می‌دهد.

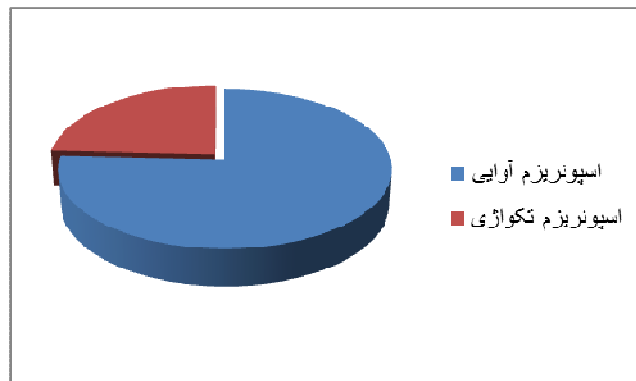
جدول ۱: آزمون دو جمله‌ای مربوط به مقایسه درصد وقوع اسپونریزم آوایی با اسپونریزم تکواژی در گفتار کودکان فارسی‌زبان

Table 1. Binomial test to examine the percentage of phonetic spoonerism & morphemic spoonerism in speech of Persian Language Children

سطح معناداری	آزمون سهم	سهم مشاهده شده	تعداد	طبقه‌بندی	اسپونریزم
.۰۰۰۵	.۰۵۰	۰.۷۶	۲۵	۱.۰۰۰	آوایی
		۰.۲۴	۸	۲.۰۰۰	تکواژی
		۱.۰۰۰	۳۳		جمع

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرضیه H0 رد و فرضیه H1 که همان فرضیه تحقیق است، مورد تأیید قرار می‌گیرد (p- Value < 0.05). یعنی درصد

خطای اسپونریزم آوایی و تکواژی در کودکان فارسی‌زبان یکسان نیست. همان‌طور که میزان درصد فراوانی اسپونریزم‌های آوایی برابر ۷۵/۷۵ درصد و اسپونریزم‌های تکواژی برابر ۲۴/۲۴ درصد است. در نتیجه می‌توان گفت که نسبت تعویض - صدا بیشتر از تعویض - واژه در گفتار عادی کودکان است به عبارت دیگر درصد خطا در برنامه‌ریزی صدا بیشتر از درصد خطا در برنامه‌ریزی لغات در مغز کودکان است. نمودار ۱ نسبت وقوع اسپونریزم آوایی به اسپونریزم تکواژی را نشان می‌دهد.



نمودار ۱: نسبت وقوع اسپونریزم آوایی به اسپونریزم تکواژی

Diagram1: The percentage of phonetic spoonerism & morphemic spoonerism

همچنین از مقایسه اسپونریزم‌های آوایی و اسپونریزم‌های تکواژی ملاحظه شد در مورد اسپونریزم‌های آوایی ۱۴ مورد از اسپونریزم‌ها در غالب کلمات مجزا (۵۶ درصد) هستند و ۱۱ مورد از اسپونریزم‌های آوایی در درون یک کلمه (۴۴ درصد) هستند؛ اما در رابطه با اسپونریزم‌های تکواژی همه آن‌ها در غالب کلمات مجزا در عبارت و یا جمله مشاهده شده‌اند و اصلاً موردی در درون یک کلمه ملاحظه نشد. یکی از عوامل مشترک در اسپونریزم‌های آوایی، بحث مجاورت^{۳۲} است. با توجه به بررسی داده‌ها می‌توان گفت که آواهای جابه‌جاشده تمایل - دارند در محیط‌های مجاور و حتی‌المقدور نزدیک به هم جابه‌جا شوند. این مطلب هم در مورد اسپونریزم‌های آوایی درون کلمه و هم در مورد اسپونریزم‌های آوایی در کلمات مجزا صدق

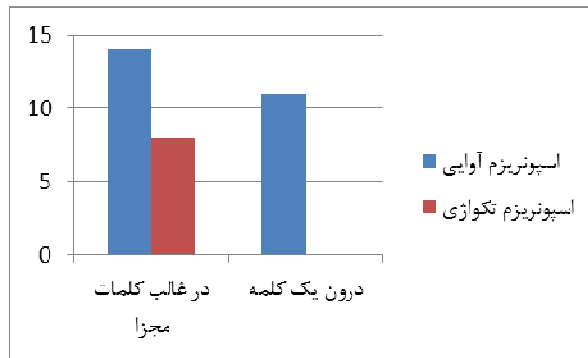
می‌کند. اسپونریزم‌های آوایی درون کلمه نشان می‌دهند که آواهای جابه‌جا شده در کلمات، اغلب یا درون یک هجا و یا در دو هجای مجاور^{۳۳} هستند:

دوچرخه ← دوخرچه (چ و خ در دو هجای مجاور هستند)
 زمین ← زنیم (م و ن در یک هجا هستند)

این مطلب درباره اسپونریزم‌های آوایی در کلمات مجزا نیز صدق می‌کند. البته در این دسته از اسپونریزم‌ها نگارندگان هجاهای کل عبارت یا جمله را ملاک قرار داده‌اند، نه صرفاً هجاهای یک کلمه را. نتایج حاصل نشان می‌دهد که آواهای جابه‌جا شده نسبتاً در فاصله نزدیک به هم قرار دارند، برای مثال:

پیتزای قارچ و گوشت ← پیتزای گارچ و قوشت

اما فاصله بین تکواژهای جابه‌جا شده در اسپونریزم تکواژی به نسبت بیشتر از فاصله بین دو واج در اسپونریزم آوایی است. به عبارت دیگر، میانگین واج‌های موجود بین دو تکواژ جابه‌جا شده در اسپونریزم تکواژی در جمله معادل ۵ واج است؛ اما میانگین واج‌های موجود بین دو واج جابه‌جا شده در اسپونریزم آوایی معادل ۲ واج است در نتیجه، دو تکواژ جابه‌جا شده در اسپونریزم تکواژی از هم دورترند تا دو واج جابه‌جا شده در اسپونریزم آوایی. بنابراین، می‌توان گفت که برنامه‌ریزی لغات در مغز کودکان در مراحل اولیه زودتر از برنامه‌ریزی صدا رخ می‌دهد. این مشاهده، گواهی است بر انگاره‌های تولیدی زبان که مفهوم‌سازی در قالب گزینش اقلام واژگانی را مقدم بر سطح تولید آوایی می‌دانند. به عبارت دیگر، این یافته در راستای انگاره‌سازی‌های تولید گفتار است. نمودار ۲ نسبت وقوع اسپونریزم در درون کلمه در مقایسه با اسپونریزم در غالب کلمات مجزا را در هر دو نوع آوایی و تکواژی نشان می‌دهد.



نمودار ۲: نسبت وقوع اسپونریزم در درون کلمه در مقایسه با اسپونریزم در غالب کلمات مجزا در اسپونریزم‌های آوایی و تکواژی

Diagram2. The percentage of spoonerism in a word in comparison with spoonerism in separate words in phonetic spoonerism & morphemic spoonerism

اکنون به تجزیه و تحلیل اسپونریزم‌های آوایی و اسپونریزم‌های تکواژی با جزئیات بیشتر می‌پردازیم:

در ابتدا این پرسش به ذهن می‌رسد که آیا اسپونریزم‌ها از الگوی منظمی پیروی می‌کنند؟ برای پاسخ به این پرسش از اسپونریزم‌های آوایی شروع می‌کنیم. همان‌طور که بیان شد، اسپونریزم‌های آوایی در دو گروه مستقل بررسی شدند. اسپونریزم‌های آوایی که در درون یک کلمه هستند و همچنین اسپونریزم‌های آوایی که در درون کلمات مجزا هستند. شباهت‌هایی که در اسپونریزم‌های این دو گروه ملاحظه شد، عبارت‌اند از:

۱- در ۵۳.۳۳ درصد از اسپونریزم‌های آوایی در کلمات مجزا واج‌های یکسانی (همخوان و یا واکه) بعد از آواهای جابه‌جا شده ملاحظه شد:

شُکلات صُبْحانه ← صُکلات شُبْحانه (واکه- بعد از همخوان‌های ش و ص آمده است).

در مورد تمامی اسپونریزم‌های آوایی در داخل کلمات نیز چنین چیزی مشاهده شد:

مصادف ← مِداصف (دو همخوان ص و د با یکدیگر جابه‌جا شده‌اند که بعد از همخوان‌ها واکه‌های a و - آمده‌اند).

پس می‌توان نتیجه گرفت که در اغلب اسپونریزم‌های آوایی در کلمات مجزا و در داخل یک کلمه، یک واج یکسان بعد از آواهای جابه‌جا شده وجود دارد.

۲- در هیچ یک از اسپونریزم‌های این دو گروه یک همخوان با یک واکه جابه‌جا نشده است. به عبارت دیگر همخوان فقط با همخوان‌ها و واکه فقط با واکه‌ها جابه‌جا می‌شوند. گارت^{۳۴} (1975) در تعمیم‌های چهارگانه خود به این نکته اشاره کرده است. او معتقد است که در فرایند لغزش‌های زبانی هر دو واحد یکسانند؛ مثلاً هر دو همخوان هستند (Carroll, 1998 : 194). برای مثال:

جزیره گنج ← جزیره جنج (گ و ج هر دو همخوان هستند)

کره و پنیر ← پره و کنیر(ک و پ هر دو همخوان هستند)

همان‌طور که بیان شد در اسپونریزهای آوایی که نگارندگان گردآوری کرده‌اند موردی که در آن واکه‌ها با یکدیگر جابه‌جا شوند موجود نیست.

۳- آواهای جابه‌جاشده دست‌کم در یکی از سه مشخصه محل تولید، شیوه تولید و واکه-داری با یکدیگر مشابه‌اند. به عبارت دیگر هر چه دو واج از لحاظ مشخصه‌های واجی همانندتر باشند، امکان جابه‌جایی آن‌ها بیشتر است. برای مثال در مثال فوق «گ و ج» هر دو بی‌واکه هستند. در مورد «ک و پ» نیز هم از نظر شیوه تولید همانند هستند؛ زیرا هر دو انفجاری و هر دو واگذار هستند.

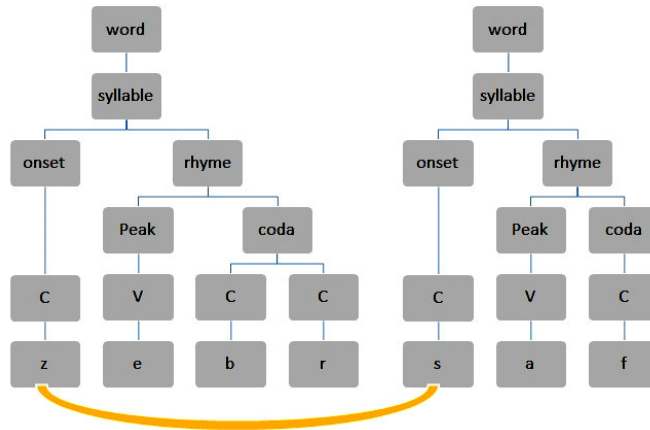
۴- در اسپونریزم‌های آوایی جایگاه تکیه ثابت می‌ماند؛ برای مثال:

قیافه خفن ← خیاغه قفن

علاوه بر شباهت‌ها و تفاوت‌های مطرح شده در مورد اسپونریزم‌های آوایی در کلمات مجزا می‌توان فرضیه شباهت هجایی^{۳۵} را نیز مطرح کرد. طبق این فرضیه واج‌های آغازده‌ها نمی‌توانند با واج‌های پایانه‌ها جابه‌جا شوند. بلکه واج‌های آغازده‌ها با آغازده‌ها، واج‌های قله‌ها با قله‌ها و واج‌های پایانه‌ها با پایانه‌ها جابه‌جا می‌شوند. گارت نیز به این مطلب اشاره کرده است، برای مثال:

زبر و صاف ← صبر و زاف (آغازده‌ها-آغازده‌ها)

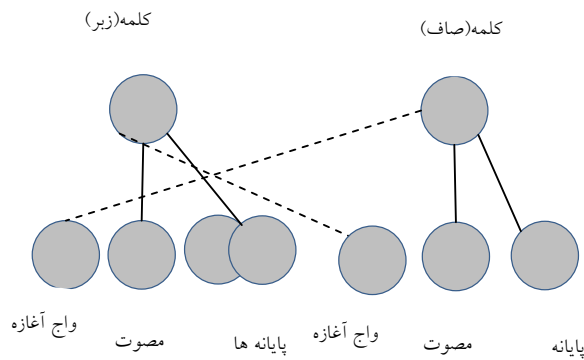
طرح آوایی و نمودار زیرساختی مثال فوق در نمودار ۳ نمایش داده شده است. در این طرح آوایی ساختار هجایی هر یک از کلمات با جزئیات کامل مشخص شده است.



نمودار ۳: طرح آوایی اسپونریزم «زبر و صاف ← صبر و زاف»

Diagram3. Phonetic layout of spoonerism in “zebro saf→ sebro zaf”

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این اسپونریزم همخوان‌های آغازۀ هجا با یکدیگر جابه‌جا شده‌اند، انگارۀ تعاملی زیر این تغییرات را نشان می‌دهد.



نمودار ۴: انگارۀ تعاملی اسپونریزم «زبر و صاف ← صبر و زاف»

Diagram4.. Interactive model of spoonerism in “zebro saf→ sebro zaf”

بررسی داده‌ها نشان می‌دهند که ۱۴ مورد (۱۰۰ درصد) از ۱۴ اسپونریزم‌آوایی در کلمات مجزا و ۴ مورد از ۱۱ اسپونریزم‌آوایی درون کلمه (۳۶.۳۶ درصد) آغازۀ هجا هستند که در مجموع ۷۲ درصد از اسپونریزم‌های آوایی آغازۀ هجا هستند. پس می‌توان نتیجه گرفت که همخوان‌های آغازین تمایل بیشتری برای جابه‌جاشدن دارند؛ به عبارت دیگر اغلب اسپونریزم‌های آوایی حاصل جابه‌جایی همخوان‌های آغازین با دیگر همخوان‌ها هستند. در نتیجه می‌توان ادعا کرد که آغازۀ هجا در ساختار کلمات کودکان نسبت به هسته و پایانه هجا آسیب‌پذیری بیشتری دارد.

اکنون به بررسی اسپونریزم‌های تکواژی می‌پردازیم.

در رابطه با اسپونریزم‌های آوایی چنین بیان شد که هر چه دو واج از لحاظ مشخصه‌های واجی همانند باشند، امکان جابه‌جایی آن‌ها بیشتر است. در مورد اسپونریزم‌های تکواژی نیز این مطلب صدق می‌کند، به جز یک مورد در بقیۀ موارد تکواژهای جابه‌جاشده هم وزن هستند؛ برای مثال: او به من ابراز احساسات کرد. ← او به من احساس ابرازات کرد. (ابراز و احساس هر دو بر وزن CVC CVC هستند).

با توجه به نمونه‌های گردآوری‌شده اسپونریزم‌های تکواژی در درون یک کلمه اتفاق نمی‌افتند؛ بلکه آن‌ها در سطح جمله یا فراتر از مرز یک جمله در غالب دو جمله اتفاق می‌افتند. گارت به این قاعده نیز اشاره کرده است که برخی از لغزش‌های زبانی مانند مبادله آوایی (اسپونریزم آوایی) فقط در درون کلمه و یا عبارت صورت می‌گیرند؛ ولی مبادله واژه (اسپونریزم تکواژی) در مرز فراتر از جمله نیز امکان رویداد دارند (Garret, 1990: 75)؛ مانند:

آمد ابرویش را درست کند، چشمش را کور کرد.

آمد چشمش را درست کند، ابرویش را کور کرد.

(اسپونریزم تکواژی در مرز فراتر از جمله)

چنانچه اسپونریزم‌های تکواژی در یک جمله صورت گیرند، اغلب در کمترین فاصله هستند. چنانچه در دو جمله باشند به لحاظ جایگاهی تکواژهای جابه‌جا شده در جایگاه‌های یکسانی در جمله قرار دارند؛ مثال:

پنج تا عروسک بخر، هفت تا آب‌نبات.

هفت تا عروسک بخر، پنج تا آب‌نبات.

(پنج و هفت هر دو در جایگاه آغازین جمله قرار دارند.)

مانند اسپونریزم‌های آوایی، جایگاه تکیه در اسپونریزم‌های تکواژی نیز ثابت است و تغییر نمی‌کند؛ و همچنین اغلب اسپونریزم‌های تکواژی نیز از نوع تکواژ آغازین هستند (۸۷.۵ درصد). در این بخش فرضیه دوم پژوهش بررسی شد. فرضیه دوم تحقیق عبارت بود از اینکه آغاز هجا در کلام کودکان فارسی‌زبان آسیب‌پذیرتر است. برای بررسی این فرضیه با توجه به اینکه طیف مورد استفاده اسمی دو بُعدی است از آزمون دو جمله‌ای استفاده شد.

جدول ۲: مقایسه درصد وقوع اسپونریزم‌هایی آوایی و تکواژی که در آغاز هجا حادث می‌شوند با اسپونریزم‌های قله هجا و پایانه به کمک آزمون دو جمله‌ای

Table 2. A comparison of percentage of phonetic spoonerism & morphemic spoonerism in onset, peak and coda with Binomial test

متغیرها	طبقه‌بندی	تعداد	سهم مشاهده‌شده	آزمون سهم	سطح معناداری
آغاز هجا		۲۴	۰.۷۳		
غیرآغاز هجا (قله هجا یا پایانه هجا)		۹	۰.۲۷	۰.۵۰	۰.۰۱۴
جمع		۳۳	۱.۰۰		

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرضیه H0 رد و فرضیه H1 که همان فرضیه تحقیق است، مورد تأیید قرار می‌گیرد ($p\text{-Value} < 0.05$) به عبارت دیگر آغاز هجا در کلام کودکان فارسی‌زبان آسیب‌پذیرتر است.

در مورد اسپونریزم‌های تکواژی الزاماً واج یکسانی قبل و بعد از تکواژ جابه‌جاشده نمی‌آید. در هیچ یک از ۸ مورد گردآوری‌شده چنین چیزی مشاهده نشده است؛ اما قاعده گارت در رابطه با لغزش‌های زبانی مینی بر اینکه هر دو واحد یکسانند، در مورد این نوع از اسپونریزم‌ها نیز صدق می‌کند؛ زیرا تکواژهای جابه‌جاشده از یک مقوله هستند؛ مثال:

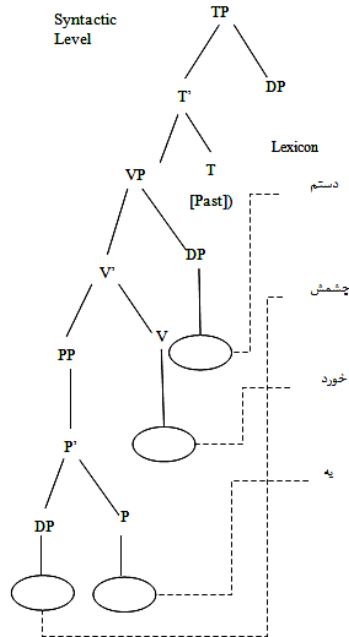
کتابت را تحویلش دادم. ← کتابش را تحویل دادم.

(ت و ش هر دو ضمیر متصل هستند.)

دستم خورد توی چشمش ← چشمم خورد توی دستش

(دست و چشم هر دو اسم هستند.)

این مطلب تأکیدی است بر «مأمور ترافیک نحوی»^{۳۶} در مغز که توسط دل، اینپهم^{۳۷} و کیترج^{۳۸} مطرح شد. آن‌ها معتقدند در فرایند تولید کلام مأموری در مغز داریم که ما را از لغاتی که متعلق به مقوله نحوی مناسب نیستند، بازمی‌دارد (Dell et al., 2008: 584). بررسی اسپونریزم‌های نحوی نشان می‌دهد هنگام جابه‌جایی تصادفی تکواژها در کلام نیز چنین مأموری بر صحت همسانی مقوله نحوی نظارت دارد. همان‌طور که در این مثال‌ها دیده می‌شود، یکی از الگوهای خاص موجود در اسپونریزم عبارت است از اینکه هر دو واحد جابه‌جاشده یکسانند که این قاعده در مورد اسپونریزم‌های تکواژی نیز صدق می‌کند؛ زیرا تکواژهای جابه‌جا شده از یک مقوله هستند و به تشکیل واژه‌های جدید در کلام منجر می‌شود، واژه‌های جدیدی که از جابه‌جایی این واحدها حاصل می‌شوند اغلب خنده‌دارند (البته گاهی از این جابه‌جایی‌ها صورتهایی حاصل می‌شود که واژه نیستند). اما نکته مهم از بُعد روان‌زبان‌شناختی همین جاست: قبل از تولید جمله توسط فرد، طرح کل جمله باید مشخص شود تا چنین جابه‌جایی‌هایی رخ دهد. در غیر این صورت چگونه ممکن است در مثال «کتابت را تحویلش دادم» که کودک به صورت «کتابش را تحویل دادم» بیان کرده است، آخرین واحد آوایی سومین واژه، یعنی ضمیر متصل (ش) به عقب آورده شود، به‌گونه‌ای که پنجمین واحد آوایی واژه اول شود؛ و یا در مثال «دستم خورد توی چشمش» که به صورت «چشمم خورد توی دستش» بیان شده است، جایگاه دو تکواژ «دست» و «چشم» که هر دو مقوله نحوی یکسان دارند و اسم هستند با یکدیگر جابه‌جا شده‌اند. به عبارت دیگر، این اسپونریزم نیز مانند دیگر اسپونریزم‌ها از قانون مقوله نحوی^{۳۹} یکسان تبعیت می‌کند. یکی از روش‌ها برای توضیح بیشتر این قانون چنین فرض می‌کند که این خطاها در خلال بازنمود نحوی^{۴۰} واحدهای گفته، حادث می‌شوند. به‌طور خاص، فرایند ساخت چنین خطایی این‌گونه توضیح داده می‌شود: براساس معنای مورد نظر و از پیش تعیین‌شده در گفته (بازنمود معنایی^{۴۱})، واژه‌ها از واژگان ذهنی^{۴۲} که همان مخزن کلمات در ذهن است، بازیابی می‌شوند. برای مثال برای ساخت این جمله ابتدا باید کلمات «دست، چشم و خورد» بازیابی شوند. سپس، یک طرح نحوی ساخته شود که این طرح نشان‌دهنده ساختار زیربنایی جمله است. این طرح و مثالی از آن در نمودار ۵ ارائه شده است.



نمودار ۵: طرح کلی جمله «دستم خورد تو چشمش»

Diagram 5: The Whole Scheme of “My hand touched his eye”

همان‌طور که ملاحظه می‌شود این طرح نحوی، روابط نحوی بین کلمات را در یک جمله نشان می‌دهد و به‌خودی خود فاقد واژگان است؛ بلکه دارای فضاهای خالی^{۳۲} است که واژگان با توجه به مقوله دستوری‌شان باید در این فضاهای خالی قرار بگیرند. در مثال فوق، یک گروه اسمی ملاحظه می‌شود که دربرگیرنده اسم و ضمیر متصل است و در جایگاه فاعل قرار می‌گیرد، به دنبال آن یک فعل در زمان گذشته ساده آمده است و همچنین یک گروه اسمی دیگر که متشکل از اسم و ضمیر متصل است و مفعول مستقیم فعل است. اما پرسش اینجا است که طی چه فرایندی این کلمات در فضاهای خالی طرح فوق قرار می‌گیرند؟ عنوانی که هر یک از فضاها دارند کلمات را هدایت می‌کنند؛ مثلاً اینکه «خورد» در جایگاه فعل قرار می‌گیرد؛ اما مشکل

اصلی در این مثال گروه‌های اسمی هستند. احتمالاً باز نمود معنایی که در مخزن کلمات مغز وجود دارد بین دو گروه اسمی تمایز گذاشته است و «دست» را که می‌تواند در جایگاه فاعل بشیند در جایگاه قبل از فعل و «چشم» را که ماهیت مفعولی دارد به جایگاه خالی بعد از فعل هدایت می‌کند. خطاهایی از این قبیل که از قاعدهٔ مقولهٔ نحوی تبعیت می‌کنند و در مواردی خاص جایگاه واحدها را جابه‌جا می‌کنند، شاهد مناسبی برای این مطلب هستند که جملات از طریق قراردادن واحدهای کلمه^{۴۴} در فضاهای خالی نام‌گذاری و در طرح نحوی مرتبط با جمله، ساخته می‌شوند و البته در برخی از موارد واحدهای کلمات در این طرح نحوی جابه‌جا می‌شوند. همان‌طور که در این مثال ملاحظه شد واژگان آسیبی ندیده‌اند؛ بلکه روش‌های سازماندهی آن‌ها در مغز مختل شده است. به کمک نظریهٔ فعال‌سازی - گسترش یافتهٔ دل می‌توان این جابه‌جایی را توضیح داد. در این نظریه فرض بر این است که پردازش در تمام سطوح (معنایی و نحوی) به صورت موازی رخ می‌دهد. علاوه بر این، پردازش تعاملی^{۴۵} است، یعنی فرایندها در هر سطحی بر فرایندهای سطوح دیگر تأثیر می‌گذارند. در این نظریه قوانین مقوله‌بندی برای سطوح معنایی، نحوی، تکواژ و واجی تولید گفتار وجود دارد. علاوه بر قوانین مقوله‌ای، واژگان یا لغت‌نامه به صورت شبکه‌ای مرتبط وجود دارد که حاوی گره‌هایی برای مفاهیم، لغات، تکواژها و واج‌هاست. با توجه به قوانین ورود^{۴۶} اقلامی برای نمایش جمله‌ای که قرار است گفته شود انتخاب می‌شود؛ به این منظور ابتدا گره متعلق به مقولهٔ مناسب انتخاب می‌شود. برای مثال در جملهٔ فوق قوانین مقوله‌ای در سطح نحوی نشان می‌دهند که یک گروه اسمی در ابتدای جمله نیاز داریم. گروه اسمی که گره آن فعال‌تر است انتخاب خواهد شد. گفتنی است سطح فعال-سازی یک واحد انتخاب‌شده فوراً به صفر کاهش می‌یابد. بنابراین اگر اسم «چشم» از خیلی قبل انتخاب شده باشد، احتمال اینکه مجدداً در جای صحیح خود در جمله انتخاب شود، وجود ندارد. در نتیجه براساس نظریهٔ فعال‌سازی گسترش‌یافته، می‌توان گفت اولاً قبل از بیان جمله یک طرح کلی در مغز از روابط نحو و واژگان شکل می‌گیرد، ثانیاً خطای گفتار زمانی رخ می‌دهد که کلمهٔ نادرست فعال‌تر از کلمهٔ صحیح باشد.

این مطالب نشان می‌دهد که برای بیان جمله باید ابتدا طرح کلی مرتبط با آن در مغز شکل گیرد و اینکه احتمالاً خطاهایی در فرایند فعال‌سازی یک واحد در مغز باعث می‌شود چنین خطاهایی در کلام ظاهر شوند و مثلاً جایگاه دو اسم جابه‌جا و به صورت نادرست بیان شود.

در نتیجه، می‌توان پیشنهاد داد عنوان «خطاهای مغزی» عنوان مناسب‌تری برای «لغزش‌های کلامی» باشد.

باتوجه به مطالب فوق، می‌توان گفت تجزیه و تحلیل لغزش‌های زبانی از جمله موضوعاتی است که نیاز به مطالعه در حوزه‌های مختلف دارد و لزوم انجام مطالعات میان‌رشته‌ای در این حوزه بیش از پیش مورد توجه قرار می‌گیرد.

۵. نتیجه

هدف از پژوهش حاضر تجزیه و تحلیل ساختار اسپونریزم‌های تولیدشده توسط کودکان فارسی‌زبان به‌منظور تعیین نقش اصول حاکم بر این لغزش زبانی است تا بتوانیم از این طریق عملکرد نظام ذهنی در فرایند تولید آن‌ها را پیش‌بینی کنیم. تجزیه و تحلیل اسپونریزم‌های کلام کودکان فارسی‌زبان نشان می‌دهد که اگرچه در گفتار تصادفی حادث می‌شوند؛ اما نظم خاصی بر آن‌ها حاکم است. به‌عبارت دیگر، زنجیره‌های واج‌شناسی در ایجاد آن‌ها دخیل‌اند که عبارت‌اند از: هر دو واحد جابه‌جاشده در اسپونریزم‌ها یکسانند، در اسپونریزم‌های آوایی همخوان‌ها فقط با همخوان‌ها جابه‌جا می‌شوند. در اسپونریزم‌های تکواژی نیز تکواژهای جابه‌جاشده هم-مقوله هستند. همچنین، هرچه دو واج و یا دو تکواژ شباهت بیشتری با یکدیگر داشته باشند امکان جابه‌جاشدن آن‌ها بیشتر است. در اسپونریزم‌های آوایی واج‌ها در یکی از سه مشخصه محل‌تولید، شیوه تولید و واکداری با یکدیگر مشابهند. در اسپونریزم‌های تکواژی نیز تکواژهای جابه‌جاشده اغلب هم‌وزن هستند. بررسی اسپونریزم‌های کلام کودکان نشان داد واج‌ها و تکواژهای جابه‌جاشده از یک محیط آوایی هستند. آغازۀ هجا با آغازۀ هجا، قلۀ هجا با قلۀ هجا و پایانه هجا با پایانه هجا. در گفتار کودکان فارسی‌زبان درصد جابجایی آغازۀ هجاها به نسبت بیشتر از موارد دیگر است؛ در نتیجه می‌توان ادعا کرد که در ساختار کلمات کودکان نسبت به هسته و پایانه هجا آسیب‌پذیری بیشتری دارد.

علاوه بر این، از مقایسه اسپونریزم‌های آوایی و تکواژی در گفتار عادی کودکان فارسی‌زبان ملاحظه شد درصد وقوع اسپونریزم‌های آوایی خیلی بیشتر از اسپونریزم‌های تکواژی است. در نتیجه می‌توان گفت در کلام کودکان فارسی‌زبان درصد خطا در برنامه‌ریزی صدا بیشتر از درصد خطا در برنامه‌ریزی لغات است.

همچنین، از مقایسه اسپونریزم‌های تکواژی و اسپونریزم‌های آوایی می‌توان نتیجه گرفت که دو تکواژ در خطاهای تبادل واژه در جمله نسبت به دو واج در خطاهای تبادل آوایی از هم دورتر هستند. این موضوع نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی لغات در مراحل اولیه زودتر از برنامه‌ریزی صدا در مغز کودکان رخ می‌دهد.

در نهایت، به کمک نظریه فعال‌سازی - گسترش یافته می‌توان علت و چگونگی جابه‌جایی‌ها را در مغز توضیح داد. همانطور که اشاره شد قانون مقوله نحوی یکسان که در این نظریه مطرح می‌شود در اسپونریزم‌های تکواژی نیز ملاحظه می‌شود و تأکیدی بر برنامه‌ریزی قبلی جمله در مغز است. به عبارت دیگر، با توجه به این نظریه می‌توان گفت اولاً قبل از بیان جمله یک طرح کلی در مغز از روابط نحو و واژگان شکل می‌گیرد، ثانیاً خطای گفتار، زمانی رخ می‌دهد که کلمه نادرست فعال‌تر از کلمه صحیح باشد. همان‌طور که اشاره شد در رابطه با تولید جمله در حالت عادی نمی‌توان گفت که گفته فرد بدون هیچ سازوکار مشخصی در ذهن ساخته و توسط فرد بیان می‌شود، بلکه فرامکین^{۴۷} معتقد است قواعد خاص و مشخصی برای تولید گفتار در مغز وجود دارد (Fromkin, 1973: 84). با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان از نگاه روان‌زبان‌شناختی چنین ادعا کرد که اسپونریزم نیز از این امر مستثنا نیست و وقوع آن در مغز اتفاقی نبوده و سازوکار مشخصی دارد و در واقع اشتباهاتی هستند که مغز به هنگام سازماندهی پیام‌های زبانی مرتکب می‌شود. در نتیجه، می‌توان به جای اصطلاح «لغزش زبانی» اصطلاح «لغزش مغز» را برای اشاره به این موارد مطرح کرد.

با توجه به مطالب فوق، می‌توان ادعا کرد که مطالعه این خطاها می‌توانند در مورد شناخت نحوه تولید جمله در گفتار و همچنین چگونگی عملکرد مغز بسیار روشنگر باشند و از طریق مطالعه آن‌ها می‌توان بینشی کسب کرد که چگونه نظام ذهنی پیچیده در فرایند تولید گفتار عمل می‌کند.

پیشنهاد می‌شود در صورت امکان در پژوهشی مشابه بررسی شود آیا قواعد بیان‌شده در گفتار کودکان از جمله تکیه کلمات، محیط آوایی و مشابهت عوامل جابه‌جاشده در گفتار افراد بزرگ‌سال نیز مشاهده می‌شود؟ به عبارت دیگر نقش سن افراد در بروز اسپونریزم چیست؟ آیا جنسیت، هوش و موقعیت اجتماعی فرد در بروز اسپونریزم نقش مؤثری دارد؟ همچنین می‌توان اسپونریزم در زبان فارسی را با اسپونریزم در دیگر زبان‌ها مقایسه کرد و بررسی شود

که آیا قواعد موجود در اسپونریزم‌های زبان فارسی در دیگر زبان‌ها نیز صدق می‌کند؟ با توجه به اینکه نگارندگان در این مقاله امکان پرداختن به مراحل تولید گفتار و نقش لغزش‌های زبانی در شناخت و تبیین آن‌ها را نداشته‌اند، لذا پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی در این زمینه نیز انجام شود. و در نهایت با توجه به مشاهده سازوکاری مشخص در اسپونریزم، پیشنهاد می‌شود در پژوهشی بررسی شود که آیا سازوکار مشابهی نیز در زبان‌پریشی‌ها وجود دارد؟ از مهم‌ترین محدودیت‌های این پژوهش، عدم امکان ضبط و ثبت دائم گفتار کودکان بود. با توجه به اینکه اسپونریزم امری طبیعی و البته کاملاً تصادفی است، محققان بر زمان و محل وقوع آن کنترل ندارند و فقط باید منتظر وقوع آن باشند. بدین ترتیب امکان تحلیل تمامی اسپونریزم‌های تولیدشده، نیست.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. William Spooner
2. speech error
3. slip of tongue
4. malapropism
5. reversal
6. Crystal
7. Caplan
8. Yule
9. Fromkin
10. underlying units
11. Freudian explanation
12. Aitchison
13. Waleschkowski
14. feature distance
15. contextual phonological errors
16. conceptualization
17. formulating
18. articulating
19. monitoring
20. Meringer
21. spreading activation theory
22. semantic level
23. syntactic level
24. morphological level

25. phonological level
26. Garman
27. phonetic spoonerism
28. phonetic transposition
29. sound-exchange errors
30. morphemic spoonerism
31. word-exchange errors
32. proximity
33. adjacent syllables
34. Garret
35. syllabic similarity
36. syntactic traffic cop
37. Oppenheim
38. Kittredge
39. syntactic category rule
40. syntactic representation
41. semantic representation
42. mental lexicon
43. slots
44. word units
45. interactive
46. insertion rules
47. Fromkin

۷. منابع

- آهلسن، الیزابت (۱۳۹۳). *درآمدی بر عصب‌شناسی زبان*. ترجمه فاطمه نعیمی حشکوائی. تهران: جهان کتاب.
- آیزنک، مایکل و مارک کین (۱۳۹۴). *روان‌شناسی شناختی زبان و تفکر*. ترجمه حسین زارع و مهدی باقرپسندی. تهران: ارجمند.
- اچسون، جین (۱۳۶۴). *روان‌شناسی زبان*. ترجمه عبدالخلیل حاجتی. تهران: امیرکبیر.
- افخمی، علی و محمدرضا اسدی مطلق (۱۳۸۲). «بررسی خطاهای گفتار در زبان فارسی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*. ش ۲ (پیاپی ۵۸۰). صص ۳۱-۴۹.
- تفرجی‌یگانه، مریم (۱۳۹۵). «بررسی و شناسایی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر خطاهای گفتاری در جامعه پرستاران». *یافته*. د ۱۸. ش ۴ (پیاپی ۷۰). صص ۵-۱۲.
- فلاحی، محمدهادی (۱۳۸۶). «بررسی انواع لغزش‌های زبانی در گفتار فارسی‌زبانان بزرگ-

سال. «زبان و زبان‌شناسی». تهران: انجمن زبان‌شناسی ایران. ش. ۵. صص ۱۲۷-۱۳۶.

- ملایری، سعید و همکاران (۱۳۸۸). *آزمون سنجش رشد نینوشا*. چ ۲. تهران: دانژه.

References:

- Afkhami, A. & M.R. Assadimotlagh (2003). "A Survey on Speech Errors in Perian Language". Tehran University: *Journal of Literature and Humanities*. [In Persian].
- Ahlsen, E. (2014). *Introduction to Neurolinguistics*. Translated by: Fatemeh Naeimi Hashkvaye. Tehran: Jahaneketab. [In Persian].
- Aitcheson, J. (1985). *Psycholinguistics*. Translated by: Abdol Khalil Hajati. Tehran: Amirkabir Publication. [In Persian].
- Aitcheson, J. (1993). *Linguistics*. I odder & Stoughton.
- Caplan, D. (1992). *Language: Structure, Processing and Disorders*. MIT Press.
- Carroll, D. (1998). *Psychology of Language, (3rded)*. Cole Publishing Company.
- Crystal, D. (1987). *The Cambridge Encyclopedia of Language*. Rep. Cambridge: Cambridge University Press.
- Dell, G. & Sullivan, Jason M. (2003). Speech errors and language production: neuropsychological and connectionist perspectives. *Psychology of Learning and Motivation*. Elsevier, No:44.Pp: 63-108.
- ----- (1995). "Speaking and misspeaking". *An invitation to Cognitive Science*. Vol:1. Pp: 183-208.
- -----; G. Oppenheim & A. Kittredge (2008). "Saying the right word at the right time: Syntagmatic and paradigmatic interference in sentence production". *Language and Cognitive Processes*. Vol: 23.No: 2. Pp: 583-608.
- Eysenck, M. & M. Keane (2015). *Cognitive Psychology: A Student's Handbook*. Translated by: Hoosein Zare & Mahdi Bagherpasandi. Tehtan: Arjmand Publication. [In Persian].

- Falahi, M. H. (2007). "A survey on different kinds of speech errors in adult Persian speakers". Tehran: *Quarterly of Language and Linguistics*. [In Persian].
- Freud, S.; R. Meringer & C. Mayer, (2007). "slips of the tongue and mis-readings. The history of a controversy". *Neuropsychiatrie: Klinik, Diagnostik, Therapie and Rehabilitation*. Vol: 21. No:4. Pp: 291-301.
- Fromkin, Victoria A. (1973). *Speech Errors as Linguistic Evidence*. Paris: Mouton.
- Garret, Merrill F. (1990). *Sentence Processing*. The MIT Press.
- Graman, M. (1990). *Psycholinguistics. Cambridge textbooks in linguistics*. Cambridge University Press.
- Malayeri, S.; Z. Jafari & H. Ashayeri (2009). *Newsha Developmental Scale*. Tehran: Danjeh Publication. [In Persian].
- Robbins, R. H.(1966). "The warden's wordplay: Toward a redefinition of the Spoonerism". *The Dalhousie Review*.
- Tafaraji Yeganeh, M. (2016). "A survey and identification on the Most important factors affecting speech errors in nursing society". *Yafteh Quarterly Research Journal*.
- Yule, G. (1996). *The Study of Language, (2nd ed)*. Cambridge: Cambridge University Press.

۸. پیوست‌ها

پیوست ۱: اسپونریزم‌های آوایی

ردیف	نمونه
۱	پیتزای قارچ و گوشت ← پیتزای گارچ و قوشت
۲	جزیره گنج ← جزیره جنج
۳	قوری گل قرمزی ← قوری قل گرمزی
۴	گنج قارون ← قنج گارون
۵	چیپس و پفک ← پیپس و چفک

۶	زبر و صاف ← صبر و زاف
۷	قیافه خفن ← خیافه قفن
۸	کبد چرب ← چبد کرب
۹	کره و پنیر ← پره و کنیر
۱۰	شکلات صُبْحانه ← صُکلات شُبْحانه
۱۱	تیکه‌های چوب ← چیکه‌های توب
۱۲	خانه و کاشانه ← کانه و خاشانه
۱۳	سیب نشسته ← شیب نشسته
۱۴	چیپس پیاز جعفری ← پیپس چپاز جعفری
۱۵	زمین ← زنیم
۱۶	تصادف ← تفادص
۱۷	یارانه ← رایانه
۱۸	دمدمی مزاج ← دمدمی مجاز
۱۹	مصادف ← مداصف
۲۰	دوچرخه ← دوخرچه
۲۱	تندیس ← دنتیس
۲۲	راننده ← نارنده
۲۳	مواظب ← مظاوب
۲۴	فرایض ← فیارض
۲۵	منبسط ← مسببط

پیوست ۲: اسپونریم‌های تکراری

ردیف	نمونه
۱	کتابت را تحویلش دادم. ← کتابش را تحویلت دادم.
۲	او به من ابراز احساسات کرد. ← او به من احساس ابرازات کرد.
۳	دستم خورد توی چشمش. ← چشمم خورد توی دستش.
۴	آمد ابرویش را درست کند، چشمش را کور کرد. ← آمد چشمش را درست کند، ابرویش را

کور کرد.	
پنج تا عروسک بخر، هفت تا آب نبات. ← هفت تا عروسک بخر، پنج تا آب نبات.	۵
سفینه فضایی می خوام. ← فضینه سفایی می خوام.	۶
قلبم اومد تو حلقم. ← حلقم اومد تو قلبم.	۷
مگه ما کاسه داغ تر از آشیم ← مگه ما کاسه آش تر از داغیم.	۸